

خشونت بلواگران در شورشهای شهر تاتنهام

تألیف: مایک والش

ترجمه: احسان جنابی *



چکیده

لحظه به لحظه شورشهای تاتنهام انگلستان در سال ۱۹۸۵، بخصوص واکنش و نحوه افزایش خشونت بلواگران می‌پردازد. در این مقاله نحوه مقابله پلیس و خدمتگزاران اورژانس (فوریت‌های پزشکی) با این شورش، بخصوص اشکالات موجود، نیز مطرح شده است. علاوه بر کارشناسان نیروی انتظامی، این مقاله تجربیات خوبی را برای کارکنان فوریت پزشکی و ماموران آتش نشانی جهت برنامه ریزیهای آینده در خصوص مقابله با چنین بحرانی را دارد. هر چند مقاله در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است، ولی موضوعیت آن تاریخی بوده و جنبه علمی آن زمان‌پذیر نمی‌باشد.

دهه ۱۹۹۰ به دلیل وقوع یک سری آشوبهای داخلی (Civil Disturbances) به میزانی که از چند دهه پیش تا به حال دیده نشده کاملاً مشخص شده است. این آشوبها سه دسته هستند: دسته اول آشوبهای داخل شهری ضد پلیس (Inner Urban Anti-Police Riots)، دسته دوم اوباشگری طرفداران فوتبال (Football Hooliganism)، دسته سوم (Industrial Disputes). اگر چه موارد مذکور متفاوت هستند، ولی شباهتهای بسیار زیادی بین آنها وجود دارد. گواه این مدعا آشوب اکتبر ۱۹۸۵ در شهر تاتنهام (Tottenham) می باشد. امید است نکات آموخته شده از بررسی این آشوب مهم بتواند برای مقابله با هر آشوب داخلی مهمی به کار برده شود.

مقدمه‌ای بر آشوب

اساساً سوانح، خصوصیت غیر قابل پیش بینی (Unpredictability) دارند، اما تأکید بر این است در صورت اطلاع قبلی از موقعیتهای خطرناک بالقوه، تا آنجایی که امکان پذیر باشد، می باید برای مقابله آن طرحهای اقتضایی (Contingency Plans) مناسب فراهم نمود. آشوبها، وقایعی هستند که به خودی خود به وقوع می پیوندند و کمتر دیده شده که وقوع آنها با اعلان خطر قبلی همراه باشد؛ اگر چه، اغلب در هر تنش و موقعیت حساسی، زمینه‌ای وجود دارد که نیروهای خدمات اورژانسی در شرایط اضطرار باید نسبت به آن حساس باشند. اگر این زمینه موجود باشد، فقط یک فشار می تواند آشوب را تشدید کند و آن را به نقطه اوج خود برساند. در هفته اول اکتبر ۱۹۸۵، موقعیت در "شهرک براد واتر فارم" (Broad Water Farm Estate)، ناحیه تاتنهام شهر لندن، چنین بود. این مجتمع خانه‌های سازمانی درون شهری، سابقه تنش نژادی

(Racial Tension) با تاجران آسپایی را که از گروههائ تهکار سفید و سپاه پوست زخم خورده بودند، داشت. تنش بین پلیس و بعضی از ساکنین این مجتمع، دارای سابقه طولانی بود و کل این ماجرا در روز شنبه پانزدهم اکتبر ۱۹۸۵، زمانی به اوج خود رسید که زن سپاهپوستی به نام «سینتیا جارت» (Cynthia Jarrett) در حین جستجوی پلیس از خانه وی، جان باخت. خانه وی در نزدیکی این مجتمع قرار داشت.

ذکر دیدگاههای رایبر (Reiner) که تجربه آشوبهای شهری (Urban Riots) آمریکا را توضیح می دهد، جالب و قابل توجه است. رایبر عقیده دارد که عامل فشار به اندازه‌ای که عامل آشوب می شود، به آن جنبه قانونی نمی دهد؛ به عبارت دیگر، همه چیز برای ایجاد آشوب آماده بود و افراد فقط به یک بهانه قانونی برای این عقلایی جلوه دادن آنچه که به وقوع پیوست، احتیاج داشتند. این دیدگاه دلالت بر آن دارد که آشوب، برخلاف نظر ما، به خودی خود به وقوع نمی پیوندد. بنابراین، نیروهای خدمات اورژانس با آگاهی یافتن از مشکلاتی که در آینده رخ خواهد داد، آسان‌تر عمل کرده و در صورت عدم توانایی، باید در خنثی کردن تلاشهای انجام شده برای ایجاد آشوب که راه حل دیگری محسوب می شود گوش به زنگ بوده و با آن برخورد کنند.

رایبر می افزاید که آشوبگران غالباً از مردم عادی بوده و وصله‌های ناجور یا اشخاص خارج از این جامعه نیستند. تنها به حساب آوردن محرومیت اجتماعی (Social Deprivation) یک توضیح ساده انگارانه است؛ عوامل به وجود آورنده یک آشوب، پیچیده‌تر از آن است که بتوان گفت آشوبگران افراد بد و یا اینکه قربانیان بی عدالتی جامعه هستند.

افرادی که ظهر روز بعد از مرگ سینتیا جارت در مقابل پاسگاه انتظامی تاتنهام تجمع کردند، همین مردم عادی بودند. حدود ساعت ۱۲۰۰ به نظر می‌رسید که همه چیز تحت کنترل باشد و این در حالی بود که در خواستهای خانواده زن متوفی و رهبران جامعه از شور و حرارت ماجرا کاسته بود. با این حال در ساعت ۱۴۰۰، جمعیتی در حدود ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر با خشم علیه عملکرد پلیس به اعتراض پرداختند. این جمعیت با فریادهای خود، حرمت پلیس را خدشه دار کرده و خساراتی به وسایط نقلیه وارد آوردند. رفت و آمد در بزرگراه تاتنهام متوقف و شیشه پاسگاه انتظامی با سنگ شکسته شد. با نزدیک شدن غروب آفتاب، جمعیت آماده انفجار بود. در ساعت ۱۵۳۰ دو افسر پلیس به محل فراخوانده شدند. اتومبیل آنها مورد حملات برق آسای جمعیت قرار گرفته و در اثر پرتاب تکه‌های سیمان، شیشه اتومبیل خرد شده و منجر به جراحت شدید یکی از افراد پلیس از ناحیه شکم گردید. حدود ساعت ۱۸۰۰ در شهرک جلسه‌ای تشکیل گشته و نیروهای پلیس به این جلسه دعوت شده بودند. بالاخره در ساعت ۱۸۰۹ شخصی به پلیس تلفن کرده و اظهار داشت که گروهی از جوانان سیاه پوست در بلوار (The Avenue) ایجاد مزاحمت کردند. تحقیقات محتاطانه پلیس هیچ‌گونه حرکتی را مبنی بر مزاحمت اعلام نکرد، در نتیجه، پلیس عقب نشینی کرد. پس از گذشت ۴۵ دقیقه از تلفن اول، تلفنهای دیگری که از پرتاب سنگ توسط جوانان در بلوار (The Avenue) شکایت داشتند، نمایانگر سرعت شکل‌گیری و پیشرفت حادثه بود. پلیسهای اعزامی به محل با رگبار بطری و بمبهای آتش‌زا به شدت مورد حمله قرار گرفتند و تا ساعت ۱۹۰۰ یک نبرد تمام عیار (Full Scall Pitched Battle) در حول و حوش بلوار (The Avenue) و خیابان مانت پلزن (Mount Pleasant Road) و خیابان ویلیام

(William Road) در حال شکل‌گیری بود. شب بعد از حادثه وقوع قتل، از رویارویی طرفین درگیر به عنوان نبردی میان آشوبگران و پلیس توصیف شده که در برگیرنده حقایق زیادی است. بغیر از افراد مذکور، دو گروه دیگر نیز در این صحنه درگیر شده بودند: ساکنین شهرک براد واتر فارم که نمی‌خواستند در ایجاد این دردسر سهیم باشند، ولی در خانه‌هایشان محبوس شده بودند و گروه دوم، افرادی که بیرون از خانه‌هایشان گرفتار شده بودند و البته گروه سوم حاضر در صحنه را نیز مأموران امداد پزشکی و کارکنان آتش‌نشانی تشکیل می‌دادند.

برای نیروهای مقابله با آشوب، دانستن این نکته «هر کسی که در خیابان با او مواجه می‌شوند آشوبگر نیست» بسیار مهم است. به عنوان مثال، ممکن است این افراد صرفاً برای هواخوری و قدم زدن به خیابان آمده باشند.

آشوبگران تاتهام بیشتر جوان و ترکیبی از گروههای قومی مختلف بودند. آنان از سلاحهای متفاوتی اعم از اشیایی که با دست پرتاب می‌کردند، چماق، کارد، قمه و حتی چیلک‌های فلزی خالی آبجو استفاده می‌کردند و نگران‌کننده‌ترین مورد، استفاده از سلاحهای گرم بود. کارکنان فوریتهای پزشکی، مجبور به رویارویی با اشیای متفاوتی از قبیل سنگ، تکه‌های سیمان، بطری و بمبهای بنزینی که توسط آشوبگران پرتاب می‌شد، بودند. قدرت تخریبی این اشیاء با پرتاب از مکانهای مرتفع صدچندان می‌شد؛ زیرا منطقه درگیر، دارای ساختمانهای بسیار بلندی بود که از بالکن آنها به عنوان سکوی پرتاب برای پرتاب بمبهای بنزینی و تکه‌های سیمان بر سر پلیس مستقر در خیابان، استفاده می‌کردند. بسیاری از زخمیها از ناحیه سر دچار جراحت شده که ناشی از پرتاب بمب از فراز ساختمانها بود و این زخمیها

شامل آشوبگرانی نیز بودند که به دلیل برد کم، اشیای پرتاب شده از پشت سرشان بر سر آنها فرود آمده و آنها را گرفتار کرده بود. اشیای پرتابی در بعضی از موارد از خطی که پلیس در آنجا مستقر بود، جلوتر رفته و در میان کارکنان آتش نشانی و کارکنان فوریت‌های پزشکی فرود می‌آمد.

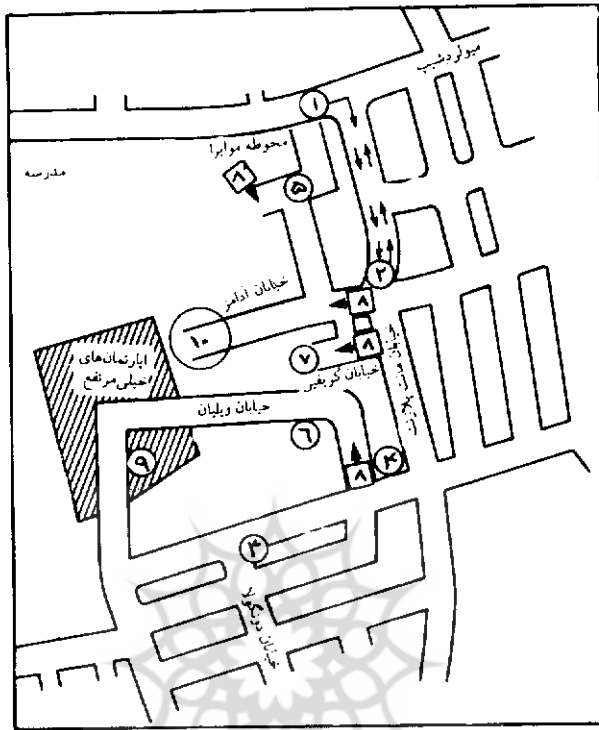
آشوبگران، گروه‌های کوچکی از عوامل مخفی تحریک کننده پلیس (Agents Provocateurs) تشکیل داده بودند تا بدین وسیله پلیس را به دنبال خود کشانیده و به کمینگاه (Ambushes) هدایت کنند. بعضی از افراد این گروه‌ها، با نقاب صورت خود را پوشانیده بودند. گروه‌های کوچک تحریک کننده پلیس در پشت انبوه جمعیت آشوبگران نیز فعال بودند، در حالیکه افراد مسلح به سلاح گرم، در خارج از صفوف اولیه آشوبگران ظاهر شده، سلاح خود را شلیک و بعد به نقاط امن جمعیت عقب نشینی می‌کردند که در مجموع، ۸ تن از افسران پلیس و تعدادی از فیلمبرداران در این حادثه مجروح شدند که خوشبختانه منجر به مرگ هیچکدام نگردید. در واکنش به این حمله، پلیس منطقه را تحت محاصره خود درآورده و بدین وسیله از سرایت سیل خرابی و ویرانی به مناطق دیگر جلوگیری کرد. حسن کار این بود که آشوبگرانی که از مناطق دیگر می‌خواستند به آنها ملحق شوند، فرصت این کار را پیدا نمی‌کردند. مناطق منع عبور و مرور (Traffic Exclusion Zones) طوری ترتیب داده شده بود تا مسیر رفت و آمد وسایل نقلیه فوریت‌های پزشکی مورد حفاظت قرار گیرد. رهبری عملیات و تصمیم‌گیری لازم در اتافی صورت می‌گرفت که نترات تصمیم‌گیرنده از کارکنان پلیس، آتش نشانی و خدمات فوریت‌های پزشکی بودند تا حداکثر همکاری صورت گیرد. رهبری عملیات به عهده مسئولین ارشد ۳ گروه مذکور بود. همکاری نزدیک کنترل حوادث و

بیمارستانهایی که زخمیها را پذیرش می‌کردند، کاملاً روشن بود. مأموران آتش نشانی در زمینه عملیات آتش نشانی مستقلاً عمل می‌کردند، اما از نظر امنیتی تحت نظارت پلیس بودند. افراد پلیس لباسهای مخصوص ضد شورش (Riot Clothing) بر تن داشتند. ویژگی خاص این نوع لباس، ماده ضد آتش (Flame Resistant Material) آن است. مسئولان بلند پایه عقیده دارند که لباسهای ضد آتش از بسیاری از سوختگیهای شدید جلوگیری کرده و جان افراد را نجات می‌دهد.

خدمات آمبولانس لندن ("LAS" London Ambulance Service)

توانسته بود لباس ایمنی مشابهی را به همراه کلاه ایمنی برای افرادش مهیا کند؛ اما به دلیل سرعت وقوع حوادث و درخواست برای تخلیه زخمیها، تعداد زیادی از افراد این گروه فقط با یک کلاه ایمنی وارد عمل شدند. افسران پلیس در لباس ضد اغتشاش (Riot Gear) کاملاً از پاسبانهای معمولی که در خیابان قدم می‌زدند، متفاوت بودند. شناسایی آنان به دلیل پوشیده بودن صورت هایشان توسط کلاه ایمنی کار ساده‌ای نبود. با این حال، تمامی پاسبانها دارای نوعی علامت شناسایی بوده و افسران آرم درجه (Rank Insignia) خود را داشتند. بنابراین، شناسایی آنها توسط دیگر افراد گروه مشترک سه گانه با به خاطر سپردن آرم درجات مختلف امکان‌پذیر بود. در کنار هر جوخه پلیس ضد اغتشاش (Riot Police)، تعدادی افسر قرار داشتند تا ارتباط مؤثر با افسر مسئول، امکان پذیر باشد.

در شب حادثه، تقریباً ۱۰۰۰ افسر پلیس برای مهار آشوب به کار گرفته شده بودند. طبق گزارشهای واصله، ۲۸۴ نفر آنان، متحمل جراحاتی در این مزاحمتها گردیده و تقریباً ۲۵٪ آنان به بیمارستان انتقال داده شدند، پلیس مجهز به باتون و گاز اشک آور (CS) بود،



تصویر ۱: صحنه شورشهای تاتهام با مقیاس ۴ سانتیمتر = ۲۵۰ متر
کلیدها، (برحسب ترتیب زمانی)

- ۱- مسیر اصلی رفت و آمد آمبولانسها، تخلیه مجروحین باز همین مسیر بوده است.
- ۲- پست امداد خط مقدم آمبولانس لندن.
- ۳- ۱۵۳۰: تکه‌های سیمان دو افسر پلیس در ماشین گشت زنی را مجروح می‌سازد.
- ۴- ۱۹۰۰: آشوبهای اصلی که پلیس مورد حمله اشیای پرتابی و بمبهای بتزینی قرار می‌گیرد.
- ۵- درگیری تمام عیار یکساعته بین پلیس و شورشیان.
- ۶- مغازه‌ها آتش زده و لخت می‌شوند.
- ۷- منطقه شلیک اسلحه.
- ۸- ضد حمله هماهنگ و در مقیاس وسیع پلیس باعث عقب رانده شدن جمعیت به داخل شهرک می‌شود (- جهت را نشان می‌دهد)
- ۹- پاسبان بلیک لاک به قتل می‌رسد.
- ۱۰- ۰۵۰۰: ناحیه مقاومت نهایی که توسط پلیس اشغال می‌گردد.

اما از هیچکدام استفاده نکرد. این باتونها (با ۱۳۵ گرم وزن) طوری طراحی شده که بتوان تا شعاع ۲۵ متری از آن استفاده کرد و ناحیه پایین کمر را مورد هدف قرار داد. شخصی که مورد اصابت این باتونها قرار بگیرد، حالت کسی را دارد که به وسیله توپ کریکت پرتاب شده توسط یک بازیکن سریع مورد هدف قرار گرفته و به شکل دردناکی به زمین بیفتد.* و این در حالی است که این شخص در مقایسه با بازیکن کریکت، از ماسک و دیگر تجهیزات محافظ بهره‌مند نیست. به عنوان مثال، در ایرلند شمالی اصابت باتون به افراد، باعث وقوع ۱۲ فقره مرگ طی ۱۱ سال شده است. باتون، قابلیت ایجاد جراحات جدی داشته و درمان زخمیهای آن باید در اولویت قرار گیرد. افراد پلیس تمایلی به استفاده از این وسایل نداشته و فقط از آنها علیه افرادی که خلاف آنان ثابت گشته و یا مرتکب خلاف جمعی شده باشند، استفاده می‌کردند. در کنار ۱۰۰۰ افسر پلیس که برای مهار مزاحمت و برقراری نظم و قانون تلاش می‌کردند، ۲ مسئول رده بالای آتش نشانی و ۸۰ آتش نشان همراه با ۱۵ آمبولانس و خدمه آنان نیز در کار کنترل آتش و نگهداری از زخمیها شرکت داشتند. دو بیمارستان که فاصله قابل توجهی از محل آشوب داشتند، برای پذیرش زخمیها مشخص شده بودند. بر اساس تجربیات موجود، بهتر است که از دو بیمارستان مجزا برای درمان آشوبگران زخمی شده و زخمیهای نیروهای سه گانه استفاده کرد. رعایت این اصل حائز اهمیت است، بخصوص زمانی که در آشوب، دو گروه رقیب جدا از هم

* - توپ کریکت خیلی سنگین بوده و اگر با شتاب پرتاب شود و به فردی اصابت کند، بشدت دردآور بوده، موجب از حال رفتن موقت فرد می‌شود.

(مثل آشوبگران طرفدار تیمهای فوتبال) شرکت داشته باشند. نویسنده، مسائلی را که در بخش سوانح و اورژانس (A & E) بیمارستان سلطنتی بریستول با آن مواجه شده بود، خیلی خوب به خاطر می آورد، خصوصاً زمانی که درگیری تن به تن و سختی میان طرفداران میلوال (Mill Wall) و شهر بریستل (Bristol City) درگرفت و به داخل این قسمت یورش بردند.

در برنامه ریزی برای مهار آشوبها، همواره باید نحوه استفاده از دو بخش سوانح و اورژانس و نیز خدمات آمبولانس از جهت اینکه مصدومین را با در نظر گرفتن نحوه استقرار نیروها به چه بیمارستانی منتقل کنند، مد نظر باشد.

آشوب

شب ششم اکتبر که به وضوح به عنوان یکی از بی سابقه ترین سطح خشونت توسط شاهدان عینی و خبرنگاران توصیف شده بود، پای پلیس را کاملاً به ماجرا کشاند. برای کارکنان اورژانس، مسئله اصلی، وسایل نقلیه در حال سوختن بود. ابر غلیظی از دود سیاه که بر اثر سوختن لاستیکها، منطقه را فرا گرفته بود، مانع دید می شد. باک اتومبیلها، در حال انفجار بود که صرف نظر از خطری که افراد نزدیک به آن را تهدید می کرد، صدای مهیبی نیز ایجاد می نمود. فریاد آشوبگران را نیز باید به این صدای مهیب و انعکاس اثر این صدا از طرف ساختمانهای بلند، افزود. کل این صداها مجموعه ای از صداهاى مختلف بود که از رسیدن صدا به گوش جلوگیری می کرد. وسایط در حال سوخته شدن و در هم شکسته هم مانع از دسترسی به منطقه شده بودند.

استفاده از بمبهای بنزینی (petrol bombs) خصوصیات بارز این شورش بود. این افراد با پر کردن یک شیشه شیر نیم لیتری از بنزین و قرار دادن یک فتیله در گلوی آن، کوکتل مولوتوف می ساختند که قابلیت به آتش کشیدن محوطه‌ای تقریباً معادل ۸ متر مربع را داشت. بنابراین، استفاده از لباس ایمنی ضد آتش (Fire Resistant Clothing) برای کلیه افراد مستقر در موقعیتهای آشوب الزامی بود. این حقیقتی است که برنامه ریزان بیمارستانها، قبل از به کارگماردن پرستاران و پزشکان در هر شورش، باید مد نظر داشته باشند. به کارگیری تیمهای پیشرفته کمک‌های اولیه مشتمل بر افسران پلیس در محل‌های جلوتر آشوب، توسط بعضی از نیروهای پلیس در حال بررسی است. آشوبگران هر چیزی را که در دسترس آنها بود، به طرف پلیس پرتاب می کردند و همان طور که قبلاً ذکر شد، از بالکن آپارتمانهای بلند برای پرتاب اشیاء بر سر افراد پلیس استفاده می کردند. نمود این کار در جدول شماره یک به وضوح نشان داده شده است که تحلیلی از توزیع زخمیهای نیروی پلیس می باشد. برای مقایسه، ارقام دیگری از آشوبهای مهم اخیر ارائه شده است. همان طور که در جدول شماره یک می توان مشاهده کرد، آشوبهای تاتنام دارای بالاترین نسبت زخمیهایی است که جراحات آنان در ناحیه کمر به بالا بوده است. بسیاری از خوانندگان این مقاله، زمانی را که با نفرت به تماشای عده کثیری از طرفداران (Mill Wall) در جام اتحادیه فوتبال از طریق تلویزیون بودند، به خاطر می آورند که آنها در شهر لوکان، صندلیهای ورزشگاه را از جا کنده و به طرف پلیس پرتاب کردند.

اگر بگویم که این حادثه، بیشترین آمار جراحات ناحیه کمر به بالا در مونه‌های در نظر گرفته شده در جدول را داشته، جای تعجب نیست. بنابراین، می‌توان گفت علت جراحات درصد زیادی از زخمیهای پلیس، توسط اشیاء پرتاب شده بود و دیگر افراد گروههای سه گانه باید از خطر زخمی شدن به وسیله پرتاب اشیاء آگاه گشته، در نتیجه به کلاه ایمنی کاملاً مطمئن مجهز باشند.

جدول شماره ۱ - درصد کل زخمیها برای هر قسمتی از بدن

که در شورشهای اخیر به افسران پلیس وارد شده است

(چاپ مجدد از پلیس پایتخت (Metropolitition Police))

قسمت بدن	تاتهام	بریکسون	هندورث، بیرمنگام	بیرمنگام درمقابل لیدز	لوتان درمقابل میلوال	وینگ
سریاگردن	۲۴/۰	۱۳/۵	۲۳/۰	۲۵/۵	۳۷/۶	۳۲/۵
تنه یا بازوها	۳۸/۶	۴۳/۸	۳۳/۰	۱۸/۵	۲۱/۲	۲۸/۱
دستها یا مچ (دست)	۷/۱	۸/۴	۱۸/۷	-	۹/۵	۹/۰
پاها	۲۸/۰	۴۹/۲	۲۳/۱	۵۵/۴	۳۱/۰	۳۶/۵
سایر قسمتها	۲/۳	۸/۶	۲/۲	۰/۴	۰/۶	۳/۹
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

البته آشوبهای تاتهام به دلیل مرگ غم‌انگیز پاسبان «بلیک لاک» (Blakelock) همیشه در اذهان باقی خواهد ماند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد گروههایی از مردم، به احتمال فراوان، بیش از تک تک آنها مستعد انجام خشونت هستند (Walsh, 1985) و به نظر می‌رسد که پاسبان

«بلیک لاک» قربانی این جنبه از رفتار انسانی شده است. یک گروه کاملاً غریبه به او حمله ور شده و او را به قتل رساندند و با وارد کردن یک چاقوی بزرگ آشپزخانه در گردن وی، مسئول مرگش شناخته شدند. وی هنگامی به قتل رسید که با گروهی از مأموران آتش نشانی مشغول انجام وظیفه بود. طبق گزارشهای رسیده، پاسبان «بلیک لاک» در موقع عقب نشینی مأموران آتش نشانی بر اثر حمله جمعیت، تعادل خود را از دست داده و روی زمین افتاد و طی چند ثانیه، انبوهی از آشوبگران بر سر او ریختند.

مرگ غم‌انگیز پاسبان «بلیک لاک» باید اخطار و درس عبرتی برای تمامی نیروهای مقابله‌کننده با آشوب باشد. در این وضعیت آشفته هر چیزی یا کسی مورد حمله احتمالی قرار می‌گیرد، خواه اموال و وسایل باشد، خواه هرکسی که به عنوان نماینده قانون در محل حضور داشته باشد. سؤال مشکلی که در این مورد مطرح می‌شود، این است که مأموران آتش نشانی و امدادگران پزشکی، چگونه بی‌طرفی خود را حفظ کنند. «بالدینگ» (Bolding) در سال ۱۹۸۵ لزوم بی‌طرفی را توضیح داده و خاطرنشان می‌سازد که تا پایان سال ۱۹۸۵، هیچ مأمور آتش نشانی‌ای در آشوبهای ایرلند دچار آسیب جدی نشده بود. با این حال، وی خاطرنشان می‌سازد که اگر پلیس سوار بر یک ماشین آتش نشانی رؤیت شود، دیگر بی‌طرف محسوب نخواهد شد. بدین ترتیب، اعضای گروه آتش نشانی، هدف آشوبگران قرار خواهند گرفت. این قضیه شامل مأموران آمبولانس نیز می‌شود. شباهت لباس فرم پلیسهای معمولی و مأموران آمبولانس*

* - در انگلستان لباس بعضی از افراد پلیس سفید مایل به آبی و کارکنان آمبولانس، سفید می‌باشد.

بخصوص در تاریکی و اقداماتی که لباس مأموران آمبولانس را از پلیس متمایز کند، حائز اهمیت است.

معضل ارتباطات در هنگام آشوب از طریق تشریح شرایط محیطی مرگ پاسبان «بلیک لاک» به وضوح نشان داده شده است. خدمات اورژانس شهر لندن (LAS) مقری در تقاطع جاده مونت پلازنت (Mount Pleasant Road) و جاده آدامز (Adams Road) برپا کرده بود. در آن محل، آمبولانسها به جمع آوری زخمیها پرداخته و به تخلیه آنها از تنها مسیر قابل عبور که مسیر ورودی به منطقه نیز بود، مبادرت می‌کردند؛ به عبارت دیگر، از انتهای کوچه «لورد شپ» (Lordship Lane) منشعب از جاده مونت پلازنت، آشفته‌گی حاصل از باقیمانده پرتاب سنگ و وسایط نقلیه سوخته، نمایانگر این مسأله بود که امدادگران می‌باید پیاده مجروحین را به مقر بعدی تخلیه کنند، چون وسایط نقلیه بیش از این نمی‌توانستند جلو بروند. در ساعت ۲۲۱۷. مسئول بخش آمبولانس در امور کنترل حوادث که همراه با پلیس و مأموران آتش‌نشانی به کار مشغول بود، خواستار اعزام یک دستگاہ آمبولانس به تقاطع بلوار (The Avenue) و جاده گلوستر (Gloucester Road)، محل زخمی شدن پاسبان «بلیک لاک» شده بود. همزمان با اعزام آمبولانس، دو امداد رسان، پیاده عازم محل مورد نظر شدند. به محض رسیدن آنها و آمبولانس به صحنه، آنان دریافتند که یک آمبولانس خصوصی که قبلاً دستور ترک منطقه را گرفته بود، پاسبان «بلیک لاک» را برداشته به مقصد بیمارستان به راه افتاده بود. روزنامه‌های روز بعد، گزارشی مبنی بر اعزام وی به بیمارستان توسط یک ماشین آتش‌نشانی، به چاپ رسانیدند. مسأله آمبولانسهای خصوصی که در حوادث این چنینی درگیر شده و تحت کنترل خدمات عمومی بوده موجبات نگرانی مسئولین

را فراهم کرده و آنان در نظر دارند تا در ملاحظات آتی خود، این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

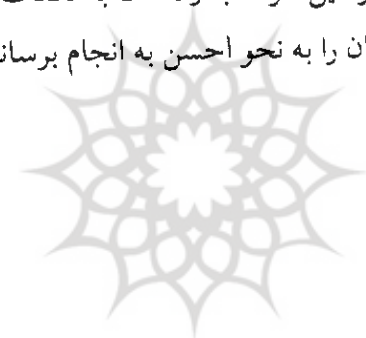
تا ساعت ۲۳۰۰، خدمات اورژانس، ۶۲ نفر مجروح را به بیمارستان انتقال داده بودند. به هر حال، تا این ساعت، روند انتقال زخمی ها کند شده بود، در نتیجه، تعداد وسائط نقلیه درگیر این کار نیز کاهش یافت. در نهایت، شمار کل زخمیهایی که به بیمارستان انتقال یافتند، ۷۰ نفر بودند که ۵۷ نفر به بخش "سنت مری وینگ" (St Mary's Wing) و بیمارستان "تینیگتن" (Whittington) و ۱۲ تن دیگر به بیمارستان "میدل سکس شمالی" (North Middlesex) اعزام گشتند. در ساعت ۰۵۵۳، اتمام عملیات توسط خدمات اورژانس اعلام شد.

در آن شب، موارد زیادی سرقت و غارت به وقوع پیوست. افرادی با سوء استفاده از اوضاع آشفته، دست به فعالیتهای غیر قانونی بسیاری زده بودند. در همین حال، بقایای ۵۰ اتومبیل سوخته در آتش، گویای شدت آشوب به وقوع پیوسته بود. پس از آن، پلیس مأموریت یافت تا افرادی را که عاملان فعالیتهای جنایتکارانه آن شب بودند، با تحقیق و جمع آوری مدارک شناسایی کند. اکثر افرادی که در آن شب در عملیات شرکت داشتند، دچار فشارهای روحی شدیدی شدند که اثرات آن در روزها و هفته های آتی ظاهر شد. بنابراین، پیگیری (Follow up) کارکنان اورژانس و مجروحین چنین آشوبی ضروری می باشد.

نتیجه

آشوبهای تاتنهام مبین این مسئله است که اعضای خدمات اورژانس، ممکن است به قتل برسند و استفاده از سلاح گرم نیز متحمل است. برنامه

ریزی قلبی و تشکیل ستاد مشترک کنترل حوادث، متشکل از نیروهای سه گانه، بسیار ارزشمند بود، همانگونه که تفکیک زخمیها بین بیمارستانها، اهمیت فراوان داشت. در صحنه‌های آشوب، جایی برای کارکنان بیمارستانها وجود ندارد، اگر اعزام این کارکنان به صحنه آشوب مد نظر باشد، باید برای آنها لباسهای ایمنی کاملی تهیه گردد. در همین حال، عملکرد مستقل و بی طرفانه مأموران آتش نشانی و امدادگران اورژانس در صحنه برخورد، باید مشهود باشد. در این صورت است که امنیت این افراد تأمین می‌شود. تلاشهای تمامی این گروههای ضد آشوب در تاتنهام بالاترین قدردانی هاست، زیرا این افراد، بدون شک به دفعات، جان خود را به خطر انداخته تا وظیفه شان را به نحو احسن به انجام برسانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منبع ترجمه:

Mike Walsh. *Disasters: Current planning and recent experience*,
London :Edward Arnold ,1989,pp. 140-90.

منابع مورد استفاده مقاله:

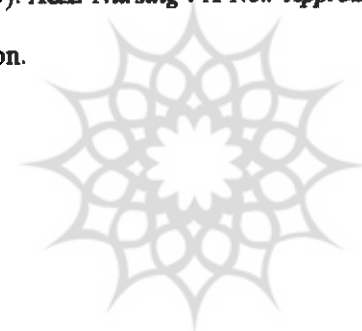
1 - Balding,S.(1985). Fire brigades fear loss of neutrality.

New Statesman.

2 - Reiner,R.(1985). Harrassment Of Asian traders.

New Society, 148-50.

3 - Walsh,M.(1985). *A&E Nursing : A New Approach*,
Heinemann,London.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی